

## امریکا – روسیه در آستانه جنگ دیجیتال بی سابقه



چالش

**دکتر سیدرضا میرطاهر**

با تبلیغات گسترده آمریکا درباره مداخله روسیه در فرایند انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶۲۰کنون معلوم شده‌است که مقامات اطلاعاتی امریکایی طرحی سایبری در دست دارند که برای ضربه زدن به زیرساخت‌های مهم روسیه طراحی شده‌است. بدین ترتیب در پروژه‌ای که از آن به‌ عنوان «بم‌های دیجیتال» یاد می‌شود آمریکا در نظر دارد تا به زیرساخت‌های حیاتی روسیه حمله سایبری کند. در واقع دولت باراک اوباما قصد اقدامات نظامی گسترده‌ای علیه مسکو در عرصه سایبری را داشته‌است. اوباما در واکنش به تأیید اقدامات سایبری روسیه در انتخابات آمریکا از جانب سیا و اف بی‌آی، به صورت مخفیانه واکنش‌های مختلفی را برای مهار و تنبیه روسیه مورد بررسی قرار داد که شامل حمله سایبری علیه زیرساخت‌های روسیه یا انتشار اطلاعات شخصی پوتین و اعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه مسکو بود. بهانه اقدام آمریکا در این زمینه، حملات سایبری توسط مأموران روسی علیه نهادهای دولتی و انتخاباتی آمریکا از جمله مقر حزب دموکرات است. در این چارچوب، دولت آمریکا در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۶ رسماً روسیه را متهم کرد از طریق حملات سایبری به سامانه رایانه‌ای کمیته ملی حزب دموکرات و رایانه‌های مقامات سیاسی آمریکا نفوذ کرده‌است. مقامات کاخ سفید پیشتر هم روسیه را به حملات سایبری علیه آمریکا متهم کرده بودند اما این نخستین بار بود که در رسماً این اتهام را مطرح کردند. با این حال برخی مقامات امریکایی اذعان دارند که اثبات قطعی نقش دولت روسیه در مدیریت این عملیات نفوذ سایبری، غیرممکن

## شمارش معکوس پایان ضرب‌الاجل ۱۰ روزه برای فشار حداکثری بر قطر

دورنما

**۱۰روزه ائتلاف عربستان، امارات، بحرین ومصر (الیته رژیم صهیونیستی**

**نیز عضو ناووشته این ائتلاف است و برخی از خواسته‌های این ائتلاف همانند قطع روابط با ایران، حزب‌الله و حماس در اصل خواسته‌ای این رژیم نیز می باشد) به قطر برای پذیرش شروط ۱۳ آگانه این ائتلاف این سؤال مطرح است که چه چشم‌اندازی را می توان برای آینده این بحران تصور کرد؟ در این فهرست مهم ترین شروطی که برای قطر تعیین شده شامل قطع هر گونه روابط دیپلماتیک با ایران و حزب‌الله، تعطیلی کامل شبکه الجزیره، برچیدن پایگاه نظامی ترکیه از خاک این کشور و قطع ارتباط با گروه‌های اخوان المسلمین، حزب‌الله لبنان و اخراج اتباع این کشورها از خاک قطر و عدم اعطای ویزا به آنها و تحویل اشخاص تحت تعقیب دولت‌های مذکور به این کشور هاست.**

در ابتدا تصور می شد که در صورت رد مطالبات این ائتلاف هیچ راهی جز توسل به اقدام نظامی علیه قطر وجود نخواهد داشت زیرا حجم و گستره مطالبات و همچنین ماهیت حاکمیتی آنها این تصور را ایجاد می کرد که گویا هدف ائتلاف مهاجم از قید این شرط و طرح مطالبات گذشته این است که قطر را به رد آن مجبور کند تا بهانه لازم را برای توسل به اقدام نظامی یا اجرای کودتا به دست آورد. به لحاظ نظری نیز نوع نازی که ائتلاف مهاجم به رهبری عربستان و امارات علیه قطر به راه انداخته‌است حاصل جمع جبری صفر یا همان برد- باخت است که برد یکی الزاماً باخت دیگری را به همراه دارد و معمولاً در چنین مواردی احتمال حل بحران از طریق مذاکره کاهش می یابد و برای دورزدی به صفر می رسد.البته هنوز هم احتمال توسل به اقدام نظامی کاملاً منتفی نشده است و در صورتی که تحولات جدیدی در منطقه روی دهد و برای مثال پای دولت ترامپ به جنگ در سوریه کشیده شود (همچنانکه رژیم صهیونیستی به طور جدی در پی آن است و تلاش می کند بار دیگر پرونده تسلیحات شیمیایی مورد ادعای



# جهان

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴

واشنگتن که همواره دیگر کشورها را متهم به حملات سایبری علیه آمریکا می‌کنند، آمریکا همواره از اولین و بزرگ‌ترین کشورهای محسوب می‌شود که از فضای سایبری برای اعمال فشار و در واقع تهاجم علیه سایر ملت‌ها استفاده نموده‌است. در عین حال نباید فراموش کرد که حملات سایبری به مثابه تیغی دو لبه محسوب می‌شود که توسط دشمنان امریکانیز می‌تواند به نحو مؤثری علیه آن مورد استفاده قرار گیرد. بهانه آمریکا برای افزایش توانمندی‌های سایبری خود این‌است که چنین اقدامی با توجه به استفاده چین، روسیه و سایر کشورها از فضای سایبری برای حمله به دشمنان یا سرقت اطلاعات ضرورت پیدا کرده‌است.

■ **آمدگی روسیه**

در این چارچوب روس‌ها نیز به خوبی می‌دانند که امریکایی‌ها مسئول بخش قابل توجهی از حملات سایبری در سطح جهان هستند. لذا روسیه از سال‌ها پیش برنامه خودکفایی ملی در بخش‌های اینترنتی و فضای مجازی از جمله موتورهای جست و جو، شبکه‌های مجازی، برنامه‌های ضد هکری و ویروسی و همچنین ایمن‌سازی اطلاعات و ارتباطات را اجرا می‌کند. در واقع، این روس‌ها هستند که برای مقابله با حملات و نفوذهای سایبری از جانب غرب به ویژه آمریکا، مبادرت به ایجاد و راه‌اندازی یک شبکه اینترنتی دارای ضریب امنیتی بالا کرده‌اند. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، توان حملات سایبری را از تسلیحات متعارف بالاتر دانسته‌است. ضمن اینکه روسیه با اعلام تشکیل ارتش سایبری، نیروی انسانی و بودجه قابل توجهی را برای عملیات آن نه فقط برای جلوگیری از اقدامات سایبری، بلکه برای افزایش فعالیت در حوزه روسیه از اختصاص داده‌است. در این راستا ژنرال سرگنی شایگو وزیر دفاع روسیه در اوایل اسفند ۱۳۹۵ از ایجاد ارتش سایبری در این کشور با هدف پیشگیری از عملی شدن تهدیدهای مرتبط در عرصه نظامی خبر داد. پیش‌تر هم ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه بر ضرورت آمادگی این کشور برای مقابله کارآمدتر با تهدیدهای سایبری تأکید کرده بود.

اعلام تشکیل ارتش سایبری در روسیه گامی مهم در عرصه رویارویی روسیه و غرب در عرصه جنگ نرم محسوب می‌شود. در سन्द دکتربین امنیت سایبری روسیه بر اهمیت شناخت و مقابله با تهدیدهای سایبری علیه امنیت بین‌المللی این کشور تأکید ویژه‌ای شده‌است. در چند سال اخیر با تشدید تنش‌ها بین روسیه و غرب به ویژه آمریکا شاهد اقدامات متقابل دو طرف در زمینه جنگ رسانه‌ای و نیز حملات و اقدامات سایبری با هدف کسب اطلاعات به منظور استفاده از آن در چارچوب اهداف سیاسی و نظامی بوده‌ایم.

■ **اقدام متقابل**

در صورتی که آمریکا به اصطلاح بمب‌های دیجیتال خود را علیه زیرساخت‌های روسیه فعال کند، باید انتظار اقدامات متقابل مسکو را داشته باشد که در این صورت خسارات و فرجام چنین جنگی در عرصه سایبری با توجه به ابعا و ماهیت آن نامعلوم خواهد بود. مسلماً این خبر خوبی برای واشنگتن نیست که اخیراً اتهامات گسترده‌ای را دربارهٔ دحالت مسکو در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با جاسوسی سایبری از مقر حزب دموکرات و انتشار اسناد آن در فضای سایبری و تضعیف موقعیت هیلاری کلینتون نامزد دموکرات‌ها متوجه مسکو کرد، به نحوی که دولت هم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در گیر نیامد آن با توجه به کمک غیرمستقیم روس‌ها به وی برای پیروزی در انتخابات ۲۰۱۶ است.

### شمارش معکوس پایان ضرب‌الاجل ۱۰ روزه برای فشار حداکثری بر قطر

شرکای تجاری و اقتصادی خود امتیازات زیادی پرداخت کند تا مانع از این شود که این شرکا به همین سادگی تسلیم فشارهای امارات و عربستان شوند. در واقع می‌توان حدس زد که از این پس و در صورتی که زبانی‌های جاری برای حل و مهار بحران به نتیجه نرسد که امکان آن ضعیف است، ما شاهد آغاز یک جنگ تجاری در کنار بحران سیاسی خواهیم بود و هر یک از دو طرف بحران خواهند کوشید برای شرکای اقتصادی و تجاری خود امتیازات بیشتری در نظر بگیرند. البته این مسابقه پیش از این نیز به نوعی آغاز شده بود به گونه‌ای که قطر برای کسب حمایت آمریکا یک قرارداد نظامی ۱۲ میلیارد دلاری با این کشور به نام رسانده با احتساب پیوستن آن ارزش آن به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد و در مجموع قادر است حدود ۶۰ هزار فرصت شغلی در آمریکا ایجاد کند. هر چند این قرار داد برای وزارت دفاع آمریکا مطلوب بود و تا حدودی در تطبیف دیدگاه وزارت امور خارجه نیز مؤثر بود اما تأثیر چندانی بر تغییر دیدگاه کاخ سفید و شخص ترامپ نداشته‌است به دلیل اینکه وی در جریان سفر به عربستان قراردادداهای زیادی به امضا رساند که ارزش مالی آنها به بالای نیم تریلیون دلار می‌رسد و لذا کاخ سفید و شخص ترامپ برخلاف وزارت دفاع و امور خارجه همچنان بر حمایت از مواضع عربستان مبتنی‌است. اما

اتفاقی که از این پس امکان دارد بیفتد این است که همان مسابقه‌ای که بین قطر و عربستان و امارات برای کسب حمایت آمریکا در گرفته بود در سطح وسیع‌تر گسترش می‌یابد و خیلی از کشورها را با این قضیه در گیر می‌کند. تا پیش از این تعداد کوچکی از کشورها جانب هر یک از دو طرف درگیر را گرفته بودند و با مصلحت‌اندیشی واتخاذسیاست بی‌طرفی مثبت سعی می‌کردند روابط خود را با هر دو طرف بحران حفظ کنند اما اکنون استمران این رویکرد با تهدیدهای امارات و عربستان به چالش گرفته شده‌است و از آن دو کشور در تلاشند کشورهای آنها را به انتخاب یکی از دو طرف وادار کنند که این انتخاب برای اغلب کشورها دشوار خواهد بود. به نظر می‌رسد هدف اصلی عربستان و امارات از قید این شرط ترکیه‌است که در حمایت از اخوان المسلمین در کنار قطر قرار دارد و بلافاصله بعد از هجوم ائتلاف چهار گانه علیه قطر فعالیت‌های خود را برای احداث پایگاه نظامی در این کشور آغاز کرده‌است که این مسئله با توجه به عضویت ترکیه در ناتو تا حدودی زیادی دست وپای ائتلاف مهاجم را برای اقدام نظامی علیه قطر می‌بندد و آن را با چالش مواجه می‌کند. از زمان آغاز بحران قطر روابط ترکیه با عربستان و امارات نیز رو به تنش پیش رفته‌است و با استمرار بحران متشنج‌تر نیز خواهد شد. شواهد موجود حاکی از ورود امارات و عربستان به خط قرمز ترکیه یعنی حمایت از مخالفان کرد داخلی این کشور موسوم به پ. ک و شاخه سوری آن پی د و همچنین استقلال کرده‌ای عراق است. در واقع عربستان و امارات اکنون با چاهی ترکیه چالش کردی درست کنند

رویکرد

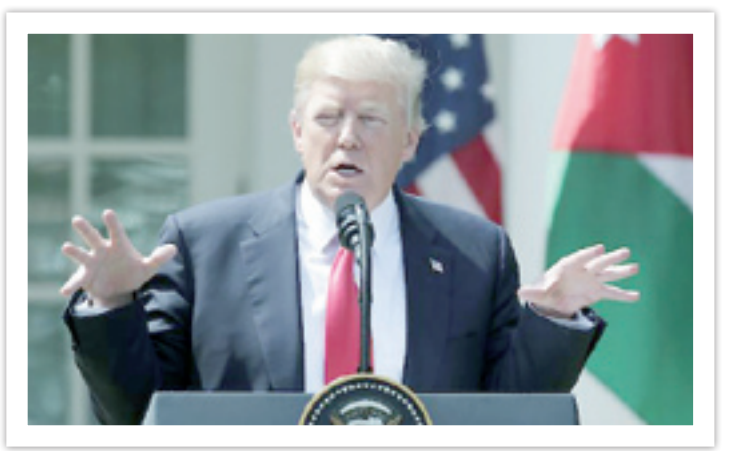
**دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم زاده**

### طرح‌های خطرناک ترامپ در سوریه

دونالد ترامپ در زمان کارزار انتخابات ریاست جمهوری چیزهایی در مورد سوریه می‌گفت که با سیاست باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، تفاوت داشت. در حالی که اوباما پنج سالی از دو دوره ریاست جمهوری خود را درگیر جنگ سوریه بود و یکی از عوامل آتش‌افروزی در این جنگ بود، ترامپ از تمرکز بر داعش و همکاری با روسیه می‌گفت تا نشان بدهد که راهش با اوباما تفاوت دارد و مثل او قصد جنگ‌طلبی ندارد. ترامپ حتی بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و نخستین مصاحبه مطبوعاتی‌اش هم این خطر را دنبال کرد و حتی به مخاطبان خود وعده وضعیتی بهتر را می‌داد. هشت ماه از آن موقع گذشته و ترامپ نه تنها در جهت ایجاد وضعیتی بهتر در سوریه یک قدم برداشته بلکه نشان داده که از خلف خود جنگ‌طلب‌تر هم هست و کاری می‌کند که حتی او حاضر به انجاشم نبود. اوباما در چهار سال قبل حاضر نشد تا با پهنه‌جویی از تسلیحات شیمیایی سوریه به این کشور حمله نظامی کند اما ترامپ در آوریل و با همین بهانه به پایگاه هوایی الشعیرات ۵۹ موشک تامهاک شلیک کرد و حالا هم باز این بهانه را پیش کشیده تا دولت و ارتش سوریه را بدون هیچ مدرک و دلیلی و به صورت مستقیم تهدید بکند. این شیوه تهاجمی و جنگ‌طلبانه ترامپ در سوریه باعث بروز سؤال‌ها و تردیدهایی نسبت به نیت او در این کشور شده و اینکه چه طرح و برنامه‌ای در نظر دارد.

■ **بهانه‌جویی از تسلیحات شیمیایی**

استفاده از تسلیحات شیمیایی به عنوان ابزاری برای فشار بر سوریه و حتی مداخله‌جویی ارثیه دولت اوباما است که برای ترامپ باقی مانده‌است. حتی بعد از گذشت چهار سال هم نمی‌توان با اطمینان کامل دولت و ارتش سوریه را از متهم به کار برد این تسلیحات در منطقه غوطه شرقی از حومه دمشق کرد. چنانکه صالح رمهر، لبر حزب اتحاد دموکراتیک درستان سوریه در آگوست ۲۰۱۲ و ۲۰ طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز گفت که بعید است حملات شیمیایی کار دولت سوریه باشد، چون موقعی اتفاق افتاده که در نبرد به برتری رسیده بود و تأکید کرد: «دولت سوریه سلاح شیمیایی دارد، ولی هیچ وقت آن که برای بررسی سلاح‌های شیمیایی آمدانه، استفاده نمی‌کند.» این نظر از سوی کسی قابل توجه است که نمی‌توان به هیچ وجه او را وابسته به نظام سوریه دانست و نشان می‌دهد که جوان زمان نه مبتنی بر مدارک و دلایل قابل قبول، بلکه بر اساس تبلیغات رسانه‌ای بود و اوباما آفندر آگاهی و تجربه سیاسی داشت که بداند بهانه‌جویی از تسلیحات شیمیایی ا تا کجا به پیش برنده و به نظر می‌رسد که فقدان آگاهی و تجربه سیاسی در ترامپ است که او را به صدور دستور آتش موشک‌های تامهاک کشاند. عبدالباری عطوان، تحلیلگر سرشناس در روزنامه مستقل



خبر از اسنادی داد که طبق آنها، امریکا با کردهای سوریه توافق کرده تا بعد از تسلط آنها بر شهر الطبقه و الرقه، پایتخت خلافت خودخوانده داعش، از تشکیل منطقه خودمختار کردی در شمال سوریه حمایت می‌کند. این خبر از آنجایی تأیید می‌شود که رکس تیلر سون، وزیر خارجه آمریکا، همان موقع از تشکیل مناطق باثبات خودمختار موقت در سوریه به گفت که مناطق امن مورد نظر معارضان سوری متفاوت است. این تفاوت را می‌توان در جنس کردی آن دانست که امریکایی‌ها بر طبق اسناد آن تارنما وعده ایجاد مناطق خودمختار را به کردهای سوریه داده‌اند با جنس عربی که بنابر برخی گزارش‌های دیگر، امریکایی‌ها وعده مشابهی به احمد العزبا، یکی از شیوخ قبیله شمر داده‌اند تا کنترل منطقه شرقی سوریه را به دست بگیرد. در هر صورت، نحوه عمل ترامپ در این چند ماه نشان می‌دهد که او در شرق سوریه تنها نابودی داعش را دنبال نمی‌کند بلکه از همین منطقه برنامه تجزیه و حتی زامداری نظام سوریه را در نظر دارد. استقرار نیروهای نظامی آمریکا در پایگاه هوایی الطبقه واقع در ۶۰ کیلومتری غرب الرقه و سخنان برت مک‌گورک، نماینده ترامپ در ائتلاف ضد داعش، در مورد ماندن امریکا بعد از شکست داعش در الرقه دو نشانه از برنامه بلندمدت ترامپ در این منطقه بعد از نابودی داعش هستند. به عبارت دیگر، اقدام آمریکا برای تعمیر زیرساخت‌ان پایگاه و نصب تجهیزات نظامی نشان می‌دهد که آمریکا پایگاه هوایی الطبقه را برای استقرار دائمی نظامیان خود راه‌اندازی می‌کند و برت مک‌گورک هم می‌گوید که آمریکا بعد از شکست داعش قصد خروج از الرقه را ندارد و در شرق سوریه ماندگار خواهد بود. هر دو وجه تحلیل‌های گذشته تأیید می‌کند که ترامپ با استفاده از متحدین منطقه‌ای چه کرد و چه عرب، برنامه تجزیه سوریه از شرق این کشور را در نظر دارد تا دامنه آن را به دیگر مناطق این کشور گسترش بدهد. او برای اجرای این نقشه است که از تسلیحات شیمیایی بهانه‌جویی می‌کند تا به نحوی مداخله نظامی در این کشور را دست کم برای افکار عمومی در غرب توجیه کرده باشد و بتواند از این طریق به روند نابودی سوریه ادامه بدهد.

ببینایه کاخ سفید واین نحوه تهدید مستقیم سوریه به‌به‌طور مشخص جنگ‌طلبی ترامپ را به نمایش گذاشت، رویه واشنگتن به‌طور معمول این بوده که تهدیدهای نظامی حتی اگر از نسوسی کاخ سفید هم گفته شود، متکی به ادعاهایی باشد که قبل از کاخ سفید و از سوی فرماندهان نظامی یا کارشناسان سازمان سیا مطرح می‌شوند تا ببینایه کاخ سفید از حدود هویت سیاسی خود خارج نشود اما ببینایه اخیر در دولت ترامپ این حدود را زیر پا گذاشته‌است و بر خلاف گذشته، این فرماندهان نظامی یا کارشناسان اطلاعاتی بوده‌اند که دنباله‌روی این ببینایه و بیشتر برای توجیه آن بوده‌اند تا ببینایه به دنبال ادعاهای آنها صادر شود. ترامپ به این نحوی تجزیگی خود را حتی در مورد